

۱- گر از گناه آزادی میخواهی، در خون عیسی این قدرت است! گر بر شیطان تسلط میخواهی، در خون عیسی قدرت هست!

1- Gær æz gonah azadi mikhahi, Dær khune Isa in ghodræt hæst!

Gær bær sheytan tæsælot mikhahi, Dær khune Isa ghodræt hæst!

1- Would you be free from your burden of sin? There's power in the blood, power in the blood;

قدرتی است بیحد معجز آسا، در خون مسیحا! قدرتی است بیحد معجز آسا، در خون بره خدا!

Ghodræti-st bihæd mojez asa, Dær khune Mæsiha!

Ghodræti-st bihæd mojez asa, Dær khune bæreye khoda!

There is power, power, wonder-working power, In the blood of the Lamb;
There is power, power, wonder-working power, In the precious blood of the Lamb.

۲- گر از غرور آزادی میخواهی، در خون پاکش این قدرت هست! از عادات زشت آزادی یابی، در خون عیسی قدرت هست!

2- Gær æz ghorur azadi mikhahi, Dær khune pakæsh in ghodræt hæst!

Æz adate zesht azadi yabi, Dær khune Isa ghodræt hæst!

2- Would you be free from your passion and pride? There's power in the blood, power in the blood;

Come for a cleansing to Calvary's tide, There's wonderful power in the blood.

قدرتی است بیحد معجز آسا، در خون مسیحا! قدرتی است بیحد معجز آسا، در خون بره خدا!

Ghodræti-st bihæd mojez asa, Dær khune Mæsiha!

Ghodræti-st bihæd mojez asa, Dær khune bæreye khoda!

There is power, power, wonder-working power, In the blood of the Lamb;
There is power, power, wonder-working power, In the precious blood of the Lamb.

۳- گر خواهی از برف سفیدتر شوی، در خون عیسی این قدرت هست! شفا از مرض‌هایت میخواهی، در خون عیسی قدرت هست!

3- Gær khahi æz bærf sefidtær shævi, Dær khune Isa in ghodræt hæst!

Shæfa æz mærze hayæt mikhahi, Dær khune Isa ghodræt hæst!

3- Would you be whiter, much whiter than snow? There's power in the blood, power in the blood;

Sin-stains are lost in its life-giving flow; There's wonderful power in the blood.

قدرتی است بیحد معجز آسا، در خون مسیحا! قدرتی است بیحد معجز آسا، در خون بره خدا!

Ghodræti-st bihæd mojez asa, Dær khune Mæsiha!

Ghodræti-st bihæd mojez asa, Dær khune bæreye khoda!

There is power, power, wonder-working power, In the blood of the Lamb;
There is power, power, wonder-working power, In the precious blood of the Lamb.

۴- گر میخواهی او را خدمت کنی، در خون پاکش این قدرت هست! در زندگیت تمجیدش کنی، در خون عیسی قدرت هست!

4- Gær mikhahi u ra khedmæt koni, Dær khune pakæsh in ghodræt hæst!

Dær zendegiyæt tæmjidæsh koni, Dær khune Isa ghodræt hæst!

4- Would you do service for Jesus your King? There's power in the blood, power in the blood;

Would you live daily His praises to sing? There's wonderful power in the blood.

قدرتی است بیحد معجز آسا، در خون مسیحا! قدرتی است بیحد معجز آسا، در خون بره خدا!

Ghodræti-st bihæd mojez asa, Dær khune Mæsiha!

Ghodræti-st bihæd mojez asa, Dær khune bæreye khoda!

There is power, power, wonder-working power, In the blood of the Lamb;
There is power, power, wonder-working power, In the precious blood of the Lamb.

۱- گر پشت ببار گران خم گشته، در سفر خسته‌ای بخت برگشته
دلیر باش و بشنو امر منجیت، عیسی داند ضعف او دهد جرأت
عیسی میداند راههایش نیکوست، تو را می‌خواند، آرامش در اوست
بسیار آینده ات بدست استاد، گر شادی یا محزون عیسی میداند

۲- هر بار گران را او بر می‌دارد، در غم و اندیشه تو را دوست دارد
در صحرای سوزان راه را می‌داند، دلیر باش ای خسته عیسی می‌داند
عیسی میداند راههایش نیکوست، تو را می‌خواند، آرامش در اوست
بسیار آینده ات بدست استاد، گر شادی یا محزون عیسی میداند

۳- گر امتحانت آید عیسی داند، مشکل زندگی را او حل کند
رو خدمتش کن هر جا می‌فرماید، شک را از خود دور کن عیسی می‌داند
عیسی میداند راههایش نیکوست، تو را می‌خواند، آرامش در اوست
بسیار آینده ات بدست استاد، گر شادی یا محزون عیسی میداند

۴- "آرامی بخشم تو را" گوید عیسی، گر چه دشوار گردد راهت در دنیا
بسیار آینده‌ات بدست استاد، گر شادی یا محزون عیسی می‌داند
عیسی میداند راههایش نیکوست، تو را می‌خواند، آرامش در اوست
بسیار آینده ات بدست استاد، گر شادی یا محزون عیسی میداند

۱- گر تو غمگینی بر خدایت بنگر؛ بر خدای سلامتی بنگر.
ای فقیر و درماندگان جهان؛ بر آرامش حقیقی بنگر.

مشکلات را به او بسپار؛ دائماً به سوی خدا بنگر.

در محبت، تسلی به تو بخشد؛ ای غمگین بر روی خدا بنگر.

۲- گر تو ناتوان و قلباً مایوسی؛ به قدرت تام خدا بنگر.
ای که نام مسیحا را می خوانی؛ بر قوت و حفاظتش بنگر.

مشکلات را به او بسپار؛ دائماً به سوی خدا بنگر.

در محبت، تسلی به تو بخشد؛ ای غمگین بر روی خدا بنگر.

گر جان و تنم گیرند، فریاد نخواهم کرد
ایمان منی عیسی، انکار نخواهم کرد
گویند بگیرندم، جانم به لبم آرند،
محبوب منی عیسی، فریاد نخواهم کرد
در راه توأم عیسی، سختی ندهد رنجم
گر جان بدهم ای یار، انکار نخواهم کرد
مصلوب شدی بر دار، از بهر نجات من
گر در قفسم گیرند، فریاد نخواهم کرد

گر چه انجیر شکوفه ندهد،
و میوه در موها یافت نشود.
حاصل زیتون ضایع گردد،
و مزرعه ها آذوقه ندهد.

لیکن من شادمانم
در او نجات دارم
در نجات خویش وجد دارم
یهوه قوت من است
پایه‌ایم پای آهوست
خرامان بسوی اوست

- ۱- گر چه انجیر شکوفه نیاورد، هَلَلو، هَلَلویاه.
- میوه در موها یافت نشود، هَلَلو، هَلَلویاه.
- ۲- گر حاصل زیتون ضایع گردد، هَلَلو، هَلَلویاه.
- مزرعه‌ها آذوقه ندهند، هَلَلو، هَلَلویاه.
- ۳- گله‌ها از آغل منقطع شود، هَلَلو، هَلَلویاه.
- رمه‌ها در طویله‌ها نباشد، هَلَلو، هَلَلویاه.
- ۴- لیکن در خداوند شادمان خواهیم شد، هَلَلو، هَلَلویاه.
- در خدای خویش وجد خواهیم نمود، هَلَلو، هَلَلویاه.

* * * * *

- 1- Seek ye first the kingdom of God, And His righteousness,
And all these things shall be added unto you,
Allelu, alleluia
- 2- Man shall not live by bread alone, But by every word.
That proceeds from the mouth of God,
Allelu, alleluia
- 3- Ask, and it shall be given unto you. Seek, and ye shall find.
Knock and the door shall be opened unto you.
Allelu, alleluia.
- 4- Seek ye first the kingdom of God, And His righteousness,
And all these things shall be added unto you,
Allelu, alleluia

۱- گر چه انجیر شکوفه نیاورد، هلوله هلولیاه.

میوه در موها یافت نشود، هلوله هلولیاه.

هلولیاه، هلولیاه، هلولیاه، هلوله هلولیاه

۲- گر حاصل زیتون ضایع گردد، هلوله هلولیاه.

مزرعه‌ها آذوقه ندهند، هلوله هلولیاه.

هلولیاه، هلولیاه، هلولیاه، هلوله هلولیاه

۳- گله‌ها از آغل منقطع شود، هلوله هلولیاه.

رمه‌ها در طویله‌ها نباشد، هلوله هلولیاه.

هلولیاه، هلولیاه، هلولیاه، هلوله هلولیاه

۴- لیکن در خداوند شادمان خواهم شد، هلوله هلولیاه.

در خدای خویش وجد خواهم نمود، هلوله هلولیاه.

هلولیاه، هلولیاه، هلولیاه، هلوله هلولیاه

۱- گر خسته‌ای، دلت پر ز اندوه، به عیسی بگو! به عیسی بگو!

گر شادی و وجد گریخته از تو، فقط به عیسی بگو!

**به عیسی بگو، به عیسی بگو! بهترین دوست تو اوست.
نیست در جهان دوستی بهتر از او؛ فقط به عیسی بگو!**

۲- گر ز چشمانت اشک غم جاریست، به عیسی بگو! به عیسی بگو!

گر گناہانی در دلت مخفی است، فقط به عیسی بگو!

**به عیسی بگو، به عیسی بگو! بهترین دوست تو اوست.
نیست در جهان دوستی بهتر از او؛ فقط به عیسی بگو!**

۳- از ابر تیره غم ترسانی، به عیسی بگو! به عیسی بگو!

گر ز فردای خود هراسانی، فقط به عیسی بگو!

**به عیسی بگو، به عیسی بگو! بهترین دوست تو اوست.
نیست در جهان دوستی بهتر از او؛ فقط به عیسی بگو!**

۴- گر از اندیشه مرگ لرزانی، به عیسی بگو! به عیسی بگو!

گر بازگشت مسیح را خواهانی، فقط به عیسی بگو!

**به عیسی بگو، به عیسی بگو! بهترین دوست تو اوست.
نیست در جهان دوستی بهتر از او؛ فقط به عیسی بگو!**

گر خواهی شادی، وجد حقیقی، عیسی را در دل بپذیر!

گناهت پاک سازد، شبت را روز کند،

قلبت را نو سازد، دائم با تو ماند!

گر خواهی شادی، وجد حقیقی،

عیسی را در دل بپذیر!

گر خواهی شادی، وجد حقیقی، عیسی را در دل بپذیر!

شعر انگلیسی (ترجمه: کشیش داود طوماس)

۱- گر خواهید نور جهان باشید، جاهای تاریک روید.
گر خواهید نمک جهان باشید، چون عیسی مسیح باشید.

با ایمان و رفتار نیکو، الگوی دیگران باش؛

تا مردم نیز به وسیله تو، خدا را جلال دهند.

۲- گر خواهید بذر گندم باشید، در زمین کاشته شوید.
گر خواهید شاگرد عیسی باشید، از او پیروی کنید.

با ایمان و رفتار نیکو، الگوی دیگران باش؛

تا مردم نیز به وسیله تو، خدا را جلال دهند.

۳- گر خواهند تو را یک مایل برند، با آنها دو مایل روی.
کسانی که از تو چیزی خواهند، آنها را رد نکنی.

با ایمان و رفتار نیکو، الگوی دیگران باش؛

تا مردم نیز به وسیله تو، خدا را جلال دهند.

۴- با کسانی که شریر هستند، با نیکویی رفتار کن.
دشمنان خود را محبت کن، برایشان دعا کن.

با ایمان و رفتار نیکو، الگوی دیگران باش؛

تا مردم نیز به وسیله تو، خدا را جلال دهند.

۵- صلیب عیسی را یاد آور، آن ایثار و محبت.
حیات ابدی را یافته‌ای، با شادی ده بشارت.

با ایمان و رفتار نیکو، الگوی دیگران باش؛

تا مردم نیز به وسیله تو، خدا را جلال دهند.

ایمان و رفتار

۱- گرد آید ایمانداران، شادان و فیروز!

گرد آید، گرد آید، در بیت لحم!

شاه ملائک گشته مولود امروز!

آید او را پرستیم (۳) مسیح عیسی!

۲- ای جمله ملائک، با شادی سراپید!

ای کل کائنات، تسبیح بخوانید!

"خدا را مجد باد در اعلیٰ علین!"

آید او را پرستیم (۳) مسیح عیسی!

۳- خدا از خدا، نور از نور!

رحم باکره را نداشت مکروه!

خدای حقیقی، مولود نه مخلوق!

آید او را پرستیم (۳) مسیح عیسی!

۴- آری خداوندا، عزیزت می‌داریم.

ای عیسی، ما به تو سجده می‌آریم!

کلمه الله اینک شد مجسم!

آید او را پرستیم (۳) مسیح عیسی!

O Come let us adore Him(3)

۱- گرد آید مؤمنین، هان شادان و فیروز!

گرد آید، گرد آید، در بیت لحم!

شاه ملائک گشته مولود امروز!

آید او را پرستیم (۳) مسیح عیسی!

۲- ای جمله ملائک، با شادی سراید!

ای کل کائنات، تسبیح بخوانید!

”خدا را مجد باد در اعلیٰ علین!“

آید او را پرستیم (۳) مسیح عیسی!

۳- آری، خداوندا، عزیزت می داریم.

ای عیسی، ما به تو سجده می آریم!

کلمه الله اینک شد مجسم!

آید او را پرستیم (۳) مسیح عیسی!

O Come let us adore Him(3)

۱- گر قلبت شکسته، دعا یادت رفته
اشکهایت چون باران ریزد، آن زمان
خداوند ضعف ما را بهتر می‌داند
با محبت، هدایت کند

فردی برای تو، فردی دعا می‌کند
گر که تنهای تنها هستی، دل تو شکسته است
آن زمان فردی دعا می‌کند (۲)

۲- گر قلبت شکسته، سرود یادت رفته
اشکهایت چون باران ریزد، آن زمان
خداوند غم ما را بهتر می‌داند
با محبت، هدایت کند

فردی برای تو، فردی دعا می‌کند
گر که تنهای تنها هستی، دل تو شکسته است
آن زمان فردی دعا می‌کند (۲)

۱- گر مثل ملائک سخن گویم، بدون محبت چون سنج هستم.

گر هر علم و سری را بدانم، بی محبت هیچ هستم.

**اگر کلام را دهم بشارت، چه ثمری خواهد داشت؟
بدون محبت، بی ثمر است؛ باطل و بیهوده است.**

۲- محبت از راستی شادی کند، حسادت و خود بینی ندارد.

با امید، همه را باور دارد، گناه را می پوشاند.

**اگر کلام را دهم بشارت، چه ثمری خواهد داشت؟
بدون محبت، بی ثمر است؛ باطل و بیهوده است.**

۳- اکنون تیره و تاریک می بینیم، لیکن آن زمان روبرو بینیم.

چنان که او را می شناسد، ما او را خواهیم شناخت.

**اگر کلام را دهم بشارت، چه ثمری خواهد داشت؟
بدون محبت، بی ثمر است؛ باطل و بیهوده است.**

سرود محبت

اول قرتیان ۱۳

۱- گسترده مسیح خوان بهر امم

در داده صلا گسترده نعم

بخشند بهم ارباب کرم هرگونه عطا هرگونه نعم
لیکن نبود در ملک وجود اینگونه سخا وین سفره جود

۲- این نان سما وین آب حیات

بر اهل جهان بخشیده نجات

یابیم از آن فیض و برکات آرد به ظهور از ما ثمرات
خون و جسدش بنموده عطا نابود کند آن عصیان و خطا

۳- از فیض خدا آمرزش ناس

بر خون مسیح بگرفته اساس

برتر بود این از فکر و قیاس درمانده زبان از شکر و سپاس
کردن نتوان شکر وی ادا جز آنکه رسد توفیق خدا

گفت عیسی تشنه را، دریا منم، رو نمایی هر کجا، آنجا منم

نیستم پنهان من از چشم ادب، هر کجا که بنگری، پیدا منم
در پی من گشت موسی تا شنید، تا ابد گوینده، سینا منم
وانکه تنها شد نمیداند چرا، همنشین او همی، تنها منم

گفت عیسی تشنه را، دریا منم، رو نمایی هر کجا، آنجا منم

ای که حالا تشنه‌ای، نزدش بیا، با تو عیسی گفته است، دریا منم
از گذشته یا که آینده مگو، پادشاه هر دو جا، هانا منم
نغمه دیگر دهند سر بلبلان، گر بدانند، بهتر از گلها منم
گر کشیدند بر صلیبم، باک نیست،
آنکه می‌بخشد، همان‌ها را منم (۲)

گفت عیسی تشنه را، دریا منم، رو نمایی هر کجا، آنجا منم

ای که حالا تشنه‌ای، نزدش بیا، با تو عیسی گفته است، دریا منم (۲)

Ghoft Isaa teshne raa, daryaa ma-nam, Ru namaayee har kujaa, aanjaa ma-nam

Nestam penhaan man az cheshme adab, Har kujaa benghare, paydaa ma-nam
Dar paye man ghasht musaa taa shened, Taa abad ghuyandeh sina ma-nam
Vanke tanhaa shud nemedanad cheraa, Hamneshen Oo hamee, tanhaa ma-nam

Ghoft Isaa teshne raa, daryaa ma-nam, Ru namaayee har kujaa, aanjaa ma-nam

Ay ke haalaa teshne-ee, nazdash beya, Baa tu Isaa ghufte ast, daryaa ma-nam
Az ghozashte ya ke aayande magu, Padeshaahe har du jaa, haanaa ma-nam
Naghme deggar dahand sar bulbulaan, Gar bedanand, behtar az gulha ma-nam
Ghar keshedand bar salebam, baak nist
Aanke mebakhshad, hamaanhaa raa ma-nam (2)

Ghoft Isaa teshne raa, daryaa ma-nam, Ru namaayee har kujaa, aanjaa ma-nam

Ay ke haalaa teshne-ee, nazdash beya, Baa tu Isaa ghufte ast, daryaa ma-nam (2)

۱- گفت عیسی که تاک حقیقی منم، شاخه‌ای کز من آمد جدا بشکنم
وان چنان شاخه در آتشی افکنم، هان ز تاک حقیقی جدا مباد

اتحاد، اتحاد، در مسیح اتحاد

۲- ما همه شاخه‌هاییم از آن شجر، ریشه یک شاخه یک یک بود بار و بر
جمله فرزند اوییم و از یک پدر، او در علم و دین بر رخ ما گشاد

اتحاد، اتحاد، در مسیح اتحاد

۳- فیض عیسی بود همچو بحر نجات، گشته از آن روان چشمه‌های حیات
جمله یک بحر جودند و در یک صفات، جز محبت ندارد کسی در نهاد

اتحاد، اتحاد، در مسیح اتحاد

۴- ای مسیح ای خدای روانبخش من دور کن جان و دل را ز رنج و محض
خود به نامت مبارک کن این انجمن تا جهان هست فیض تو با خلق باد

اتحاد، اتحاد، در مسیح اتحاد

گفتم خدای قادر، تو یار و یاورم باش

گفتی چنین دعا کن، یار برادرم باش

گفتم به من نظر کن، **گفتی که منتظر باش**

قوت بده به روحم، **گفتی که مطمئن باش**

گفتم پر مکن از روح، در دل و در برم باش

گفتی به من که ای یار، در عشق بی نظر باش

گفتم خدای قوت، با من و سرورم باش

گفتی دهم ز روحم، سفیر و هم سرم باش

ای خالق و خدایم، قوتِ خاطرم باش

از مسح پر کن این جان، اول و آخرم باش

گفتی باز آ ای فرزندم
هرگز نمان در تنهایی
آن شبهای تنهاییت
بس بود صدایم نمایی
عمانوئیل، عمانوئیل
آغوشم را بگشودم
گر به من ایمان داری
من در کنارت بودم
تا دستت را بگیرم
تنها خداوند پناه من
کل کلامت حق است و
چراغ راه زندگیست
در روزی که سختی و رنج
تو می مانی و می جنگی
عمانوئیل، عمانوئیل
تنها خداوند پناه من

ای انسان آچ گوزلریوی
سادجه بیر یول وار سنه
گر ایستیرسن آزادلیقی
سسله مسیح عیسا میزی
عمانوئیل، عمانوئیل
گورخما ایمان یولوندان
ربینن سنین اورتاندا
شیطان گناه الیندن
توتسون سنین الیندن
حیاتیمین معناسی سان
عمرین دفتری باغلانمادان
آچ ئورکیوین قاپیلارینی
قارا گئجه گوندوز لریوه
آچسین گل لر سولسون غملر
شادلیخ گلسین حیاتیوا
روح القدوسین پناهیندا
عمانوئیل، عمانوئیل
حیاتیمین معناسی سان

شعبک یعلن بیک ایمانه
انت راعینا و کل مالینا
شعبک یعلن بیک ایمانه
انت راعینا و کل مالینا
عمانوئیل عمانوئیل الله معانا
مهما اشتدت حرب علینا
انک لینا ومین یکفینا
مهما اشتدت حرب علینا
انک لینا ومین یکفینا
عمانوئیل عمانوئیل الله معانا
کلمه حقک بتعلمنا
روحک فینا و بیعزینا
عمانوئیل عمانوئیل الله معانا

فارسی / آذری / عربی

گفتی بیا، ای گرانبار،
آرامی بخشم، جان تو را
زانو زخم، نزدت عیسی،
محتاج به توام لمس کن مرا
شفا ده... مرا از گناهانم
شفا ده... مرا از مرض‌هایم
شفا ده... مرا از ضعف‌هایم
شفا ده... شفا ده... شفا ده

لمس کن مرا... لمس شفا
با دستان خود... تو ای خدا
چون جانت را... کردی فدا
آزادم کردی... تو از فنا
شفا ده... مرا از ضعف‌هایم
شفا ده... مرا از گناهانم
شفا ده... مرا از مرض‌هایم
شفا ده... شفا ده... شفا ده

جای لک بذنوب ندمان و باتوب،
طالب غفرانک بدم‌المصلوب
بامسک فی ای‌دیک... و بصدق فیک،
یا‌یسوع اشفینی انا راجع لیک
اشفینی... من کل ضعف فی
اشفینی... من الشهوة وم الخطیه
اشفینی... محتاج لک یا فادی
اشفینی... اشفینی... اشفینی
لمسه شفاء... لمسه حیاہ
تلمسنی یا‌یدک ده أنت الاله
أنا عندی ایمان... تشفینی الآن
اشفینی... من کل ضعف فی
اشفینی... من الشهوة وم الخطیه
اشفینی... محتاج لک یا فادی
اشفینی... اشفینی... اشفینی

گوییم، هلولویاه (۲)

حمد گوید خدا را با دل و جان
با دستهای پاک و قلبی شادان
گرد آید و حمدش را سراییم

گوییم، هلولویاه (۲)

کلامش قادر و با جلال است
تسبیحش خوانید ای قدوسینش
جلال و عظمت از آن اوست

گوییم، هلولویاه (۲)

بره خدا شد ذبح بهر ما
داد جان خود را باز برخاست از مرگ
تا بخشد گناه و دهد حیات

گوییم، هلولویاه (۲)

گوییم هلولویاه، شکرش هلولویاه، حمدش هلولویاه!

Guyim Hallelujah, Shokræsh Hallelujah, Hæmdæsh Hallelujah!

ستایش کنم نام عیسی را (۲)

Setayesh konæm name Isa ra (2)

نجات داده است مرا، بخشیده گناهم را، از روح پر کرده مرا!

Nejat dadeh æst mæra, Bækhshideh gonahæm ra, Æz ruh por kærdeh mæra!

ستایش کنم نام عیسی را (۲)

Setayesh konæm name Isa ra (2)

من عیسی را دوست دارم، عیسی مرا دوست دارد،

من عیسی را دوست دارم!

Mæn Isa ra dust daræm, Isa mæra dust daræd,

Mæn Isa ra dust daræm!

ستایش کنم نام عیسی را (۲)

Setayesh konæm name Isa ra (2)

سرودها: گ – Songs: Gaf

آهنگ	مترجم	شعر	بند اول سرودها	ردیف
			گر از گناه آزادی میخواهی در خون عیسی این قدرت	۱.
			گر پشت بیار گران خم گشته، در سفر خسته‌ای	۲.
			گر تو غمگینی بر خدایت بنگر، بر خدای سلامتی بنگر	۳.
		اسد	گر جان و تنم گیرند (اسد)	۴.
			گر چه انجیر شکوفه ندهد، و میوه در موها یافت نشود	۵.
			گر چه انجیر شکوفه نیاورد، هلو هلوایه	۶.
			گر چه انجیر شکوفه نیاورد (بند گردان هلوایه)	۷.
			گر خسته‌ای دلت پر ز اندوه، به عیسی بگو	۸.
	د. طوماس		گر خواهی شادی، وجد حقیقی (سراینده: کشیش هایک)	۹.
			گر خواهید نور جهان باشید، جاهای تاریک روید	۱۰.
			گرد آید ایمانداران شادان و فیروز	۱۱.
Adeste Fideles	ناآشنا	انگلیسی	گرد آید مومنین، هان شادان و فیروز	۱۲.
			گر قلبت شکسته، دعا یادت رفته	۱۳.
			گر مثل ملائک سخن گویم، بدون محبت چون سنج هستم	۱۴.
			گسترده مسیح خوان بهر امم	۱۵.
			گفت عیسی که تاک حقیقی منم	۱۶.
			گفت عیسی تشنه را، دریا منم	۱۷.
			گفتم خدای قادر، تو یار و یاورم باش	۱۸.
			گفتی باز آ ای فرزندم (آذری/فارسی/عربی)	۱۹.
			گوییم، هلوایه	۲۰.
			گوییم هلوایه، شکرش هلوایه	۲۱.